



موسیقی نمایش

احسان ثمره طاهری

در مقایسه با دهه گذشته کمتر آهنگسازی در شهر کرمان برای نمایش آهنگسازی می‌کرد، در این روزها نمایش‌هایی روی صحنه اجرا می‌شود که گروه موسیقی زنده، آهنگ‌ساز یا قطعاتی که صرفاً برای همان اجرا آهنگ‌سازی شده، اجرا می‌شود و آهنگ‌سازی برای تئاتر رفته‌رفته به یک امر واجب تبدیل شده است که اتفاق خوشایندی است. در طول این دهه بارها از اهالی تئاتر شنیدم که موسیقی زنده و وجود نوازندگان روی صحنه و آهنگ‌سازی در صورتی که می‌توان از موسیقی‌های موجود استفاده کرد، چیزی جز تجمعات نیست، اما نمی‌شود انکار کرد که موسیقی زنده همانند یک مکمل می‌تواند اجرای به‌یادماندنی را برای مخاطب بسازد. امیدوارم در مسیر تعالی ضرورت وجود آهنگ‌ساز و موسیقی زنده در تئاتر اجراهای باکیفیت زیادی به‌صورت قطعاتی انحصاری برای هر نمایش در شهر کرمان ببینیم؛ همان‌طور که روزی وجود موسیقی زنده یا آهنگ‌سازی برای تئاتر یک کار تفریحی (نه ضروری) بود و الان یک نیاز.

در ادامه از تجربه شخصی‌ام از آهنگ‌سازی نمایش «سوختن‌ها» می‌نویسم. این تجربه برای من از دو جهت اتفاق خاصی بود؛ تم اصلی این قطعه از ملودی‌هایی بود که در زمان دانشجویی‌ام بایگانی کرده بودم تا در زمان مناسب از آن‌ها استفاده کنم و بعد از آشناشدن با علی‌محمد فردین

۱. اسم نمایش نامه «بانوی آوازخوان» بود که بنا به دلایلی نشد از این اسم استفاده شود.

فرا و خواندن نمایشنامه و صحبت درباره آن به او اطلاع دادم که یک ملودی آماده دارم که به حال و هوای این کار می‌آید و او بعد از شنیدن ملودی از این ایده استقبال کرد. دلیل دوم خاص بودن این تجربه کمبود زمان مناسب و استاندارد برای ساخت قطعه و فایل‌های صوتی برای فضا سازی تعدادی از صحنه‌ها بود؛ گروه نمایش نزدیک به یک سال تمرین کرده بود و شخص دیگری برای ساخت قطعات در نظر گرفته شده بود؛ اما یک ماه مانده به اجرا اعلام کرد که قطعه‌ای ساخته نشده و در توان او نیست؛ با تمام این شرایط، آهنگ‌سازی موسیقی زنده و افکت‌های صوتی تنها در دو هفته به اتمام رسید و نوبت تمرین نوازنده‌ها شد که آنها هم از پس اجرای قطعات به‌خوبی برآمدند. خوشحالم که این تنگنای زمانی باعث افت کیفیت در پروسه ساخت موسیقی نشد؛ هرچند انتخاب من قرارگرفتن در روند تمرین گروه نمایش و ساخت قطعات همسو با تمرین‌ها و حس بازیگران و صحنه بدون قرارگرفتن در فاز کمبود زمان بود، اما باتوجه به بازخوردها در این فرصت کم روند آهنگ‌سازی و نتیجه قابل قبول بود.

از آنجایی که نمایشنامه این اثر احساسات متفاوتی را برانگیخته می‌کرد، می‌توانست بخش آهنگ‌سازی را به کلی تحت تأثیر قرار داده و از مسیر «استاندارد موسیقی نمایش» خارج کند؛ زیرا موسیقی نمایش باید در خدمت آن باشد و نباید زیادی جلب توجه کند. مخاطب تئاتر، برای دیدن تئاتر به سالن آمده است و موسیقی به عنوان عنصری مکمل به همراه نمایش، یک کل واحد را تشکیل می‌دهد و این نمایشنامه که می‌توانم بگویم برای جریحه دار کردن احساسات مخاطب یک نمایشنامه بی‌رحم است می‌توانست من را از روند منطقی ترکیب بندی صداها خارج کند تا موسیقی خلق کنم پر از اغراق تا تمام توجه مخاطب به افت و خیز جنون آمیز صداها برای جریحه دار کردن احساس آنها که خوشحالم این اتفاق نیفتاد و موسیقی در نقش یک عنصر همراهی کننده، در خدمت نمایش باقی ماند. در ادامه این موضوع باید بگم که این روزها اگرچه استفاده از موسیقی زنده یا قطعه انحصاری برای نمایش اتفاقی خوشایند است، اما بسیاری از موسیقی‌های زنده‌ای که در نمایش‌های کرمان بر روی صحنه دیده‌ام، تمامی توجه مخاطب را به سمت خود کشیده و توجه مخاطب را از اصل نمایش

می‌گیرند؛ به‌تنهایی می‌توانند موسیقی‌های بسیار خوبی باشند، اما به‌عنوان موسیقی نمایش به نظر من یک ضعف بزرگ به حساب می‌آید، زیرا موسیقی در حال بلعیدن نمایش است! پارتیتور قطعات نمایش سوختن‌ها را به لطف انتشارات دژاکام در تابستان سال ۱۴۰۳ چاپ شد و در ادامه قسمت‌هایی از پارتیتور را برای توضیحاتی کوتاه می‌آورم.

قفقاز

(Caucasus)

برای هارپ، پیانو و کوارتت زهی

سال ساخت: ۱۴۰۲

نمایش «سوختن‌ها» به کارگردانی علی محمد فردین‌فر

ترتیب قطعات:

- Prelude
- Interlude 1
- Interlude 2
- Postlude

قطعه Prelude برای زمان ورود مخاطب به سالن، قطعه Interlude 1 برای خروج مخاطب از سالن جهت استراحت (به دلیل مدت‌زمان زیاد نمایش، حدوداً ۳ ساعت) و قطعه Interlude 2 برای بازگشت مخاطب به سالن پس از استراحت و همچنین قطعه Postlude برای پایان نمایش ساخته شد که از آخرین دیالوگ‌ها شروع شده و تا خروج همه بازیگران از صحنه ادامه داشت. طبیعی است به دلیل خطی و روایی بودن داستان، موسیقی نیز در بیان خیلی از جملات دارای

اشتراکاتی بود که با تغییرات کوچک سعی بر این شد که جنبه روایی داستان حفظ شده و مخاطب از تکرار های بیهوده خسته نشود. در مورد نام مجموعه لازم است تأکید کنم که ارتباطی با نمایش وجود ندارد و صرفاً علاقه شخصی دلیل انتخاب آن است.

♩ = 116

Harp

♩ = 116

Piano

Violin I
mf dolce

Violin II
p

Viola
p

Violoncello

11

mp

mp

mp

این دو صفحه از قطعه اول «پرلود» آورده شده که در روند نت‌ها قابل مشاهده است که تم اصلی بدون داشتن ذره‌ای تنش، یک داستان عاشقانه و شاعرانه را بیان می‌کند و فواصل بیشتر مطلوب بوده و تنش‌ی به مخاطب نمی‌دهد.

$\text{♩} = 116$

Harp

Piano

Violin I

Violin II

Viola

Violoncello

The musical score is written for a string quartet and piano/harp. The key signature is three sharps (F#, C#, G#) and the time signature is 6/8. The tempo is marked as 116 beats per minute. The instruments are Harp, Piano, Violin I, Violin II, Viola, and Violoncello. The Harp and Piano parts have rests for the first six measures, followed by a melodic line in the seventh measure. Violin I starts in the third measure with a half note, followed by a half note in the fourth measure, and then a half note in the fifth measure. Violin II, Viola, and Violoncello all play a half note in the first measure, followed by a half note in the second measure, and then a half note in the third measure. The dynamics are marked as mp (mezzo-piano) for Violin II, Viola, and Violoncello, and mf (mezzo-forte) for Violin I. The Piano part has a p (piano) dynamic marking in the seventh measure.

$\text{♩} = 116$

Harp

Piano

Violin I

Violin II

Viola

Violoncello

در این دو عکس اول اینترلود ۱ و ۲ را می‌بینیم که با تغییر اکتاو نت‌های نوشته شده، بر تنش موسیقی افزوده شده و به همراه خط داستان، موسیقی پر تنش تر شده و در آخر قطعه استفاده از فواصل نامطبوع به همراه تمی که مدام در حال تکرار و یادآوری موضوع اصلی است این اختلاف حالت‌ها را به همراه تکرار در بازه ۳ ساعت به نرمی به گوش مخاطب می‌رساند.

$\text{♩} = 116$

Harp

Piano

$\text{♩} = 116$

Violin I

f

Violin II

mf

Viola

mf

Violoncello

mf

The musical score is written for a string quartet and piano/harp. It is in 6/8 time and has a tempo of 116 beats per minute. The instruments are Harp, Piano, Violin I, Violin II, Viola, and Violoncello. The Violin I part starts with a forte (f) dynamic, while the others start with mezzo-forte (mf). The score consists of seven measures.

و به‌عنوان آخرین پاراگراف تأکید می‌کنم که هیچ اصل و قانونی برای استفاده این‌چنین از فواصل و روند بیان تم یا تکرارها وجود ندارد، بلکه تجربه شخصی هر آهنگ‌ساز و نقطه‌نظر وی باعث ایجاد این قوانین در دفاع از اثر خود است. با تمامی محدودیت‌هایی که سر راه هر آهنگ‌ساز (نوازنده ماهر، تجهیزات و سالن اجرای مناسب، بودجه مناسب و...) وجود دارد، این مجموعه برای من و خیلی از همکاران و مخاطبین باتوجه‌به بازخوردها قدمی روبه‌جلو در شهر کرمان بود، امیدوارم تجهیزات و سالن‌های شهر کرمان در آینده پاسخگوی پیشرفت تکنولوژی و موسیقی باشد تا بتوان موسیقی‌های زنده الکترونیک را در سالن‌های نمایش کرمان به گوش مخاطبین رساند.